

یک تجربه، یک شهر

بلایای طبیعی و میراث فرهنگی؛ ارزیابی دوباره

از خانه‌ها، موزه‌ها و مناطق، بسیاری از آرشیه‌های قدیمی که در نزدیکی رودخانه «مولداو» بودند، آسیب دیدند. موزه ملی یکی از این موارد بود؛ در یکی از بخش‌های کتابخانه موزه ملی، کتاب‌هایی که در طبقات پایین‌تر قرار داشتند، کاملاً توسط سیل آسیب دیدند و حتی به طبقات پایین‌تر این موزه تاریخی نیز صدمه وارد شد. کتابخانه دانشگاه پراگ در زیر ۱۰ فوت آب قرار گرفته بود و ۹۰ درصد از مهم‌ترین آثار مکتوب و آرشیه‌های معماری روی آب شناور بودند، چراکه در سال ۱۹۴۰، بعضی از آرشیه‌ها به طبقه همکف منتقل شده بودند. در هر حال با کمک بسیاری از داوطلبان، بسیاری از اسناد به ساختمان‌هایی جهت منجمد کردن برای بازیابی احتمالی آنها در صورت امکان منتقل شدند.

سیل‌های سالیانه در شهر ونیز ایتالیا اگر کمتر از سیل در سال ۲۰۰۲ آسیب وارد می‌کنند اما با توجه به تناوب آنها، در مجموع، به همان اندازه آسیب‌زنده هستند. در قرن بیستم سطح دریاها ۲۳ سانتی‌متر افزایش پیدا کرده، همچنین تعداد امواج بیش از یک متر نیز زیاد شده است. اغلب بخش‌های ونیز، خصوصاً میدان «مارک» مشکل شدید ترطوبت دارند. این میدان اصلی، پایین‌تر از سایر بخش‌های شهر قرار دارد و به همین جهت، سیل و طغیان آب، همواره به آن سمت حرکت می‌کند و در آن‌جا جمع می‌شود. آسیب‌های اقتصادی که هر ساله به ونیز وارد می‌شود، چیزی در حدود ۴۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

این مثال‌های واضح از آنچه در سال‌های اخیر در مناطق شهری رخ داده، تنها نمایان‌کننده خطری است که می‌تواند میراث فرهنگی و تاریخی انسان‌ها را در هر جای جهان تهدید کند.

هیچ‌گاه نباید آسیب‌پذیری میراث فرهنگی و تاریخی را نسبت به فجایع طبیعی دست‌کم گرفت. مطالعات اخیر در اروپا نشان می‌دهد



که تنزل محیط‌زیست، ناتوانی برای کنترل نوسان حجم آب رودخانه‌ها و سایر فجایع طبیعی مرتبط با آب‌وهوا در اکثر مناطق جهان رو به افزایش است و می‌تواند مکان‌های ارزشمند تاریخی - فرهنگی را نابود کند.

بسیار از این موضوع اطمینان حاصل کرد که برنامه‌های مدیریت مکان‌های تاریخی برای همه انواع بلایای طبیعی مناسب هستند؛ چراکه در بسیاری از موارد، حتی در کشورهایی توسعه‌یافته، دیده می‌شود که موسسات خصوصی حافظ میراث فرهنگی و بناهای ارزشمند تاریخی، برنامه‌های شخصی خود را دارند که غالباً تنها برای یک یا دو مورد خاصی از فجایع مناسب است، نه برای همه فجایع طبیعی. گاهی آنها طرح‌های خود را برای مقابله با آتش‌سوزی و زمین‌لرزه تنظیم می‌کنند اما برای سیل و آسیمی که ممکن است از این طریق وارد شود، پیش‌بینی درستی ندارند. بنابراین، همه طرح‌های مدیریتی بحران برای محافظت از بناهای تاریخی و میراث فرهنگی باید «محدوده‌ای» از فجایع طبیعی را دربرگیرند.

آگاه کردن مردم از اهمیت آثار باستانی و توریستی به لحاظ تاریخی و خصوصاً اقتصادی، همچنین افزایش آگاهی عمومی مردم از خطراتی که می‌تواند این مکان‌ها را تهدید کند و به تبع آن به اقتصاد آن جامعه آسیب بزنند، امری ضروری است. این موضوع، از آن جهت اهمیت دارد که در شرایط عادی، مردم به حفظ و مراقبت از این میراث معارست کنند و در زمان وقوع فاجعه طبیعی؛ داوطلبانه و از روی آگاهی برای بناهای ارزشمندشان تلاش کنند.



در آگوست ۲۰۰۲ اروپای مرکزی شاهد ویران‌کننده‌ترین سیل‌های ۲۰۰ سال اخیر بوده است. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون‌ها در مورد خطرهایی که شهرهای تاریخی جمهوری چک، آلمان و مجارستان را تهدید می‌کردند، هشدار دادند. باران‌های شدید و سیل‌های ناشی از آن باعث تخلیه و مهاجرت هزاران نفر از شهرها و شهرستان‌ها و مرگ بسیاری از افراد شد. براساس تخمین شرکت‌های بیمه، کل آسیب اقتصادی ناشی از سیل در آلمان، اتریش و جمهوری چک به ۱۴٫۷ میلیارد دلار رسید. این سیل‌ها به بخش‌های فرهنگی و تاریخی و ارزشمند اروپا رسید و بسیاری از آنها را تحت تأثیر قرار داد.

شهرهای تاریخی و فرهنگی «سکی کروملوف» (Cesky Krumlov) و پراگ آسیب دیدند. در آن زمان برای رسانه‌ها هیچ شکی باقی نماند که بزرگترین نگرانی جامعه حفاظت از میراث فرهنگی است. خبرگزاری بی‌بی‌سی اعلام کرده بود که مردم بیش از نگرانی برای اموال خود نگران ساختمان‌های تاریخی و بناهای فرهنگی شهر هستند، چراکه بسیاری از خبرها و گزارش‌ها حاکی از آسیب‌های جدی اقتصادی به سیستم توریسم چک و آلمان بودند. این موضوع، می‌توانست منجر به بسته شدن مکان‌های تاریخی - توریستی شود که به نوبه خود، ضربه بزرگی به اقتصاد این شهرها وارد می‌ساخت. شهر درسدن که در بمباران سال ۱۹۴۵ توسط متفقین نابود شده بود، حالا در آگوست ۲۰۰۲، یک بار دیگر زیر فشار سیلی قرار گرفته بود که موجب پریشانی مردم رودخانه البه به پنج برابر معمولش شده بود و آب آن به طرف بسیاری از مناطق شهر طغیان کرده بود. با وجود تلاش هزاران داوطلب، نیروهای نظامی و امدادگران برای قرار دادن کیسه‌های شن در کنار ساحل رودخانه و جلوگیری از پیشروی و طغیان بیشتر آب اما همچنان پیشروی آب رودخانه به طرف وارد می‌سازد.

جدای از این که با فروریختن و ریزش بناهای تاریخی بزرگ و مجموعه‌هایی که امکان ورود دیدن از آنها برای جهانگردان وجود دارد، احتمال آسیب‌دیدن یا مرگ بازدیدکنندگان بسیار محتمل است. مسأله اقتصادی، خود به دو بخش تقسیم می‌شود: (یک) هزینه‌هایی که به‌منظور ترمیم یا بازسازی یک مکان یا یک بنای تاریخی باید پرداخت، و (دو) ضررهای اقتصادی‌ای که به دلیل از بین رفتن یک بنای تاریخی به عنوان یک جاذبه توریستی به واسطه ریزش جهانگردان وارد می‌شود، چراکه اگر حتی یک بنای تاریخی کاملاً از میان نرود، باز هم مدت زمان زیادی - از چند ماه تا چند سال - برای ترمیم و بازسازی آن نیاز است و در طی این مدت، هیچ توریستی اجازه یا امکان ورود و بازدید از آن مجموعه یا بنا را نخواهد داشت که همین موضوع می‌تواند به لحاظ اقتصادی، آن منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

زوال و نابودی مکان‌های تاریخی و بناهای فرهنگی توسط بلایای طبیعی از جمله زمین‌لرزه، موجب از بین رفتن بخش بزرگی از میراث فرهنگی بشر می‌شود؛ چراکه این مکان‌ها و بناها بسیار ارزشمند و البته غیرقابل جایگزین هستند. گرچه بازسازی سریع و به‌موقع این بناها، نقش بسیار حیاتی در نجات مکان‌های تاریخی و میراث فرهنگی ایفا می‌کنند اما تکنولوژی جدید اسکن ۳ بعدی می‌تواند بهترین امید برای حفظ مکان‌های تاریخی و باستانی باشد. آنها نقاشی‌های بزرگ به‌شمار آید تا آنها به‌طور کامل نابود نشوند و به نسل‌های آینده انتقال پیدا کنند. با کمک این تکنولوژی و با استفاده از داده‌های دیجیتالی کمی (قابل اندازه‌گیری) این امکان وجود دارد که بناهای تاریخی و میراث فرهنگی آسیب‌دیده در مناطق مستعد زمین‌لرزه، حفاظت یا ترمیم شوند، یا با دقت بالا به شکل پیشین خود بازسازی شوند.

این تکنولوژی‌ها می‌توانند به ما کمک کنند در جایی که نمی‌توانیم فجایع طبیعی را کنترل یا شددت آنها را کم کنیم، بتوانیم از میراث فرهنگی خود دفاع و محافظت کنیم اما تا جایی که هنوز چنین تکنولوژی‌هایی به صورت فراگیر در همه جای دنیا گسترش پیدا نکرده‌اند، باید تا آخرین حد توان، از میراث فرهنگی و تاریخی‌مان حفاظت کنیم.

ممكن، ترمیم و بازسازی شده‌اند. بهترین شکل در پراگ جدای از آسیب‌دیدن بعضی



بحران‌های طبیعی با حافظه جمعی چه می‌کنند؟

فجایع طبیعت و تاریخ بشریت

۱۵۵۶ میلادی پایان یافت. نخستین زمین‌لرزه ثبت‌شده که در نزدیکی این شهر در سال ۱۵۸۳ واقع شد، موجب آسیب گسترده و شدیدی به این بنای تاریخی (کلیسای جامع) شد. در سال ۱۵۹۰ (۷سال پس از وقوع زمین‌لرزه و آسیب گسترده به کلیسا)، این شهر، نخستین قدم‌های خود را برای برنامه‌ها و طرح‌های بازسازی کلیسا با طراحی جدید برداشت. در هر حال، این زمین‌لرزه‌ها با فوران شدید آتشفشان «هائناپوتینا»، همراه و متقارن بودند و این موضوع نیز بخشی از ساختار کلیسای قدیمی را نابود کرده بود. در سال ۱۶۰۴، زمین‌لرزه دیگری رخ داد که هرچه از آن کلیسا باقی مانده بود را نیز کاملاً ویران ساخت.

کلیسای جامع دیگری در سال ۱۶۵۶ ساخته و کامل شد. بعد از آن، زمین‌لرزه‌هایی در سال‌های ۱۶۶۶، ۱۶۶۸، ۱۶۸۷ و در سال ۱۷۸۴ رخ دادند که آسیب‌های اندک اما قابل توجهی را به کلیسا موجب شدند. در ۱۳ آگوست ۱۸۶۸، زمین‌لرزه مهیبی باعث ویران شدن برج‌ها (بخشی از دروازه اصلی، نمای جلویی و محراب‌ها) شد. آخرین زمین‌لرزه در ژوئن ۲۰۰۱ و به بزرگی ۸٫۴ ریشتر رخ داد و موجب فروریختن و سقوط دو برج کلیسا شد و به ساختار اصلی و تاریخی آن آسیب بسیار سختی زد. این کلیسای جامع در سال ۲۰۰۲ ترمیم و بازسازی شد و به شکوه و جلال پیشین خود بازگشت. این کلیسا، امروز در پرو جزو منحصربه‌فردترین کلیساهای جامع است که از دوره استعماری اسپانیا باقی مانده است. در سال ۲۰۰۰، شهر تاریخی آرکویبا در یونسکو ثبت شد.

ایالت سیچوان در چین، یکی از مناطق مستعد زمین‌لرزه است و به‌مثابه خانه‌ای برای هزاران میراث فرهنگی و تاریخی به‌شمار می‌آید که بعضی حفاظت‌شده و برخی دیگر غیرحفاظت‌شده هستند. معبد اروانگ (دو پادشاه) نخستین بار در حدود ۲ هزار سال پیش ساخته شد و در زمان سلسله چینگ بازسازی شد. این مکان به‌منظور برگزاری مراسم بزرگداشت و جشن برای ساختن سد دوجیانگیان توسط «لی بینگ» فرماندار شین (Qin) و پسرش که سیستم آبیاری/زهکشی دوجیانگیان را ابداع کرده بودند، ساخته و به‌عنوان میراث فرهنگی در یونسکو ثبت شد. این معبد، از چوب خاصی به نام «چوآوندو» ساخته شده و معماری بسیار پیچیده‌ای دارد و دارای دو بخش مجزا است که یکی به معابد و دیگری به باغ‌ها منتهی می‌شود.

زمانی که زمین‌لرزه مهیبی در سال ۲۰۰۸ آن منطقه را لرزاند، مکان‌های متعدد تاریخی تحت تأثیر قرار گرفتند و معبد اروانگ نیز دچار آسیب‌های جدی ساختاری شد. دروازه ورودی خراب شد و زیارتگاه‌ها و تالارهای زیادی فرو ریختند. چندین اشیای قدیمی و تاریخی که در معبد قرار داشتند نیز از بین رفتند. با کمک دولت چین و حمایت‌های بین‌المللی و متخصصان، این معبد به شکل و سبک پیشین خود ترمیم و بازسازی شد. بخش‌هایی که فروریخته بودند،



باز هم فجایع طبیعی، مهم‌ترین عامل و خطری تهدیدکننده برای آثار باستانی، میراث فرهنگی و بناهای تاریخی به‌شمار می‌آیند.

بلایای طبیعی، تهدیدی برای بشر و تاریخ او
بلایای طبیعی همواره به‌عنوان تهدیدی برای نوع بشر به حساب می‌آید. با وجود تلاش‌هایی در سراسر جهان به‌منظور کاهش اثرات فجایع طبیعی با کمک سیستم‌های هشدار، آمادگی در برابر بلایا و برنامه‌هایی برای مدیریت آنها اما امروزه افزایش تناوب وقوع و شدت بلایای طبیعی باعث شده دولت‌ها، تأکید مودکی بر حفاظت از شهروندان و جان آنها و خصوصاً میراث فرهنگی و تاریخی داشته باشند.

اگرچه مطالعات زیادی روی کاهش خطر بلایای طبیعی انجام شده و حاصل آنها، ایجاد راه‌های جدید و بدیعی برای کاهش آسیب‌پذیری جمعیت انسانی بوده است اما تلاش‌های موردنیاز برای محافظت از بناهای تاریخی، فرهنگی و باستانی، همچنان پراهمیت و در حال رشد است. زمین‌لرزه‌ها؛ مخرب‌ترین و ویران‌کننده‌ترین نیروی طبیعت برای آسیب‌زدن به بناهای تاریخی هستند که خرابی‌های جبران‌ناپذیری را به‌بار می‌آورند. زمین‌لرزه‌ها می‌توانند مکان‌های تاریخی و باستانی را به کبه‌ای از قله‌سنگ‌ها و ویرانی تبدیل کنند.

دومین تأثیر بزرگی که یک زلزله -یا هر فاجعه طبیعی دیگری مثل سونامی، رانش زمین و...- می‌گذارد که می‌تواند به همان اندازه یا بیشتر خطرناک باشد، ایجاد خطرهای بالقوه برای مکان‌های تاریخی است؛ آن‌هم طوری که مدیران بحران و مدیران حافظ این بناهای تاریخی نتوانند در مقابل آن خطرهای بالقوه خود را آماده سازند. در چند سده گذشته، بسیاری از مکان‌ها و بناهای تاریخی شاهد چنین اتفاقات مصیبت‌بار و فاجعه‌انگیزی بوده‌اند که تنها تعداد اندکی از آنها سالم و دست‌نخورده باقی مانده‌اند. کلیسای جامع سلطنتی در شهر تاریخی آرکویبا (Arequipa) شهری در جنوب پرو، و معبد اروانگ (Erwang) در نزدیکی سد دوجیانگیان (Dujiangyan) در ایالت پرجمعیت سیچوان (Sichuan) در چین، دو نمونه از این موارد هستند.

آرکویبا در پرو شهر بسیار جذاب و فریبنده‌ای است که در قلب دره کلکا (Colca Valley) قرار دارد. این شهر که در میان کوه‌های آتشفشانی قرار گرفته، به «شهر سفید» معروف است؛ چراکه اکثر ساختمان‌های آن از سنگ خاصی به نام «سیلار» -که سنگی با منشأ آتشفشانی است- ساخته شده‌اند. معماری اصلی ساختمان‌های تاریخی این شهر، آمیزه بدیعی از فرهنگ بومی آن‌جا و فرهنگ اروپایی است. این شهر از آغاز دستخوش و متاثر از زمین‌لرزه‌های زیادی شده و نجات پیدا کرده است. کلیسای جامع این شهر، نخستین بنای عمودی و بلند این شهر بوده است که به واسطه نمای باشکوه و با عظمت و بزرگش شناخته می‌شود. ساخت این کلیسای جامع در آگوست ۱۵۴۰ آغاز شد و در

مجتبی پارسا میراث تاریخی و فرهنگی ما در معرض خطر نابودی هستند. آنها قربانیان افزایش تناوب و شدت فجایع، اعم از طبیعی و انسانی هستند. تخریب شدن شهر بم و میراث باستانی آن، (ارگ بم) به دلیل زمین‌لرزه سال ۲۰۰۳، زرد شدن سنگ‌های مرمر تاج‌محل به دلیل آب‌وهوای آلوده و جنگ‌ها و نزاع‌های سوریه که موجب از بین رفتن مناره مسجد جامع اموی در دمشق شد، تنها نمونه‌های کوچکی برای اثبات این مدعا است که میراث باستانی و فرهنگی ما در خطر است. تنها در قرن بیستم و یکم، ما صدها مکان و بنای تاریخی و فرهنگی خود را از دست داده‌ایم، یا آسیب جدی به آنها وارد شده است.

دو سال پیش، یونسکو اعلام کرد که ۴۶ مکان از ۱۰۰۷ مکان تاریخی در خطر هستند؛ آن هم خطری بی‌سابقه. تا این که سال گذشته، زمین‌لرزه‌ای در نیپال، در دره «کاتماندو» موجب از بین رفتن و فروریختن چندین بنای تاریخی شد. این مجسمه‌ها، در کنار یکدیگر، یک منطقه جهانی میراث فرهنگی به‌شمار می‌رفت. خانم «ایرینا بوکسوا» مدیر کل یونسکو، در مصاحبه با روزنامه «نیویورک تایمز» گفته بود: «من به‌خاطر تلفات جانی و انسانی زیادی که توسط زمین‌لرزه در نیپال به‌وجود آمد، به‌شدت غمگین و از رده‌خاطرم. از شنیدن خبر ویران شدن میراث فرهنگی این کشور نیز بسیار شوکه شده‌ام و از این موضوع غافل نبودم که فجایع طبیعی در دنیای مدرن می‌توانند تا این اندازه به میراث فرهنگی جهانی آسیب بزنند.»

تا پیش از این، یونسکو (سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد) فعالیت‌های زیادی به‌منظور حفظ مکان‌های تاریخی و فرهنگی انجام داده بود.

در میان فاکتورهای مختلفی که مکان‌های فرهنگی و تاریخی ما را تهدید می‌کنند، تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حفاظت از این مناطق به‌شمار آید. افزایش سطح دریاها، مناطق ساحلی را تهدید می‌کند؛ افزایش بارندگی موجب ساییده شدن خرابه‌های تاریخی خشتی می‌شود؛ آب شدن یخ‌ها موجب پوسیدگی عناصر گرانیک می‌شود.

به‌طور کلی، با ناگفته گذاشتن فجایع انسانی، خصوصیات میراث فرهنگی به وضع آب‌وهوا بستگی دارد اما می‌توان گفت که در معرض قرار گرفتن، حساسیت و قابلیت تطبیق با شرایط آب‌وهوایی، سه مشخصه است که آسیب‌پذیری میراث فرهنگی نسبت به تغییرات آب‌وهوایی را تعیین می‌کند. به‌طور مثال، این موضوع، بسیاری شایع است که بالادمن سطح آب و سایر فشارهای آب‌وهوایی موجب به خطر افتادن بناهای تاریخی و فرهنگی شهر و نیز و تالاب‌های آن شده است.

بنابراین اگر از خطر مسواری مثل گروه‌های بنیادگرا مثل طالبان در گذشته و داعش در زمان حاضر و جنگ‌ها و درگیری‌ها چشم‌پوشی کنیم،

